

## سیره معصومان علیهم السلام در مواجهه با فقرا

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین علی اکبری\*

### مقدمه

همواره نوع رفتار ملت‌ها و حکومت‌ها با فقیران، با رفتار آنان در برابر اغنیا متفاوت بوده است و این دوگانگی، بی‌عدالتی‌ها و محرومیت‌های قشر فقیر جامعه را به همراه داشته و نظام طبقاتی را بر جوامع حاکم کرده است. جهان امروز، هم‌چنان شاهد رفتارهای جاهلی مدرن، با فقیران است. گرچه مدعیان رهبری جهان، شعار حاکمیت نظام هماهنگ حقوق فقیر و غنی را سر داده‌اند، لیکن در عمل، به مسئولیت سنگین خود عمل نکرده‌اند. تنها، رهبران دینی و معصومان علیهم السلام بوده‌اند که در گذر زمان، راهکارهای برون‌رفت فقیران از محرومیت‌ها را عملیاتی کرده‌اند.

نوشتار پیش‌رو، در صدد تبیین رفتار معصومان علیهم السلام در مواجهه با فقیران است:

### الف. سیره اخلاقی - اجتماعی

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از نخستین روزهای تأسیس حکومت، با رفتارهای حکیمانه با فقیران، و تأکید بر

\* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

تساوی حقوق اجتماعی فقرا و اغنیا، به مقابله با نظام طبقاتی حاکم بر جامعه برخاست و بر احیای حقوق از دست رفته محرومان همت گمارد که نمونه‌های این رفتارها عبارت‌اند از:

### ۱. تأکید بر برابری فقیر و غنی

در حالی که مهاجران تهی دست، همچون پروانه، گرد شمع وجود پیامبر در طواف بودند، گروهی از ثروتمندان مشرک قریش به حضرت پیشنهاد دادند شخصیت‌های ارزشمندی همچون عمار، بلال، صُهبیب و خَبَاب را که فقیر بودند، از خود دور کند تا آنان به او نزدیک شوند؛ اما رسول خدا ﷺ به آنان جواب رد داد و فرمان خدا را لیبیک گفت که فرمود: «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ»<sup>۱</sup> آنها را که صبح و شام خدا را می‌خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن» و برای همیشه بر اندیشه برتری اغنیا بر فقرا خط بطلان کشید ملاک برتری را تقوای بندگان معرفی کرد: «... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»<sup>۲</sup> ای مردم! ما شما را از یک مرد وزن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. [اینها ملاک امتیاز نیست؛ بلکه] گرامی‌ترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست».

عبدالله بن صلت بلخی نقل کرده: در سفر علی بن موسی الرضا علیه السلام به خراسان، همراه حضرت بودم. دیدم سفره‌ای انداختند و همه غلامان سیاه و سفید بر گرد آن جمع شدند. عرض کردم: می‌بایست برای اینها سفره‌ای جدا می‌انداختند. امام از این سخن بر آشفت و فرمود: چه می‌گویی! خدای ما واحد است، پدر و مادر ما یکی است، و جزا به عمل است.<sup>۳</sup>

### ۲. تشویق اغنیا به یاری کردن فقرا

از دیگر تلاش‌های پیامبر خدا ﷺ در مواجهه با فقیران، برقراری عقد اخوت میان انصار و مهاجران تهی دست بود. با این رویکرد، چنان مهر و محبتی بر دل‌های آنان سایه افکند که خانه و ثروت انصار، سرمایه مهاجران بی‌جا و بی‌پناه شد. با این‌که انصار از ثروت بسیار برخوردار نبودند، هر آن‌چه را در اختیارشان بود، به مهاجران ایشار کردند. قرآن درباره مصرف «فیء» می‌فرماید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ... وَيُؤْتِرُونَ

۱. انعام، آیه ۵۲.

۲. حجرات، آیه ۱۳.

۳. کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۳۰.

عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ... فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ<sup>۱</sup>؛ و برای کسانی است که در این سرا (سرزمین مدینه) و در سرای ایمان، پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند، دوست می‌دارند... آنها را بر خود مقدم می‌دارند؛ هرچند خودشان بسیار نیازمند باشند... پس ایشان رستگاران اند.»

در تقسیم اموال بنی‌نضیر، پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مهاجران و انصار فرمود: «هر خانواده‌ای از شما هرچه می‌خواهد، به اندازه بار یک شتر [از اموال یهودیان] حمل کند». سپس رو به انصار کرد و فرمود: در مورد باقیمانده آن که فی‌ء است، سهم باشید و ثروت خودتان را با برادران مهاجرتان تقسیم کنید، یا اینکه ثروتتان مال شما باشد و فی‌ء، مختص مهاجران باشد». انصار گفتند: ای رسول خدا! ثروتمان را با برادران مهاجر تقسیم می‌کنیم و فی‌ء را هم به آنها می‌دهیم.<sup>۲</sup>

به این ترتیب پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با ایجاد ارتباط میان مهاجران و انصار، غنی و فقیر جامعه را متحد و همدل کرد. رویکرد رسول خدا موجب شد که فرهنگ ایثار در تمام ابعاد زندگی مسلمان نهادینه سازی گردد. در یکی از غزوات صدر اسلام است، - گویا در مؤته است - بعد از خاتمه جنگ کسی در میان مجروحین سیر می‌کرد که اگر می‌تواند مجروحین را نجات بدهد. به یک مردی رسید در حالی که سخت تشنه بود یک کاسه آب پیدا کرد وقتی رفت به او بدهد او اشاره کرد به رفیق مجروحش که به او بده. رفت سراغ او، او نیز اشاره کرد به رفیق مجروح دیگری و گفت به او بده (و بعضی تا نه نفر نوشته‌اند) رفت سراغ سومی، دید مرده. آمد سراغ دومی دید او هم مرده. آمد سراغ اولی دید او هم مرده است.<sup>۳</sup> این مقدار همدلی در جایی است که انسان واقعا درد دیگری را درد خودش احساس بکند. امروزه نیز می‌توان با اتخاذ سیاست‌های روشمند و راهبردی، بین فقیر و ثروتمند جامعه ارتباط برقرار کرد تا ثروتمندان با انفاق و کمک‌های اقتصادی، به فقرزدایی پردازند و فاصله‌های طبقاتی را کم کنند.

### ۳. مبارزه با اختلاف طبقاتی

معصومان علیهم‌السلام مخالف هر نوع اختلاف طبقاتی میان فقیر و غنی و در صدد از بین بردن آن بودند؛ چنانچه وقتی به علی علیه‌السلام خبر رسید نماینده ایشان در مجلسی شرکت کرده که در آن، تنها اغنیا

۱. حشر، آیه ۹.

۲. ر.ک: شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۷، ص ۱۵۴-۱۵۵.

۳. همان، ج ۲۳، ص ۲۸۶.

بوده‌اند و از فقرا کسی حضور نداشته است، حضرت خطاب به او فرمود: «وَمَا ظَنَنْتُ أَنْكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوفٌ وَعَيْنُهُمْ مَدْعُوءٌ»<sup>۱</sup> [عثمان بن حنیف!] گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم گردیده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند». در واقع در جامعه توحیدی، پابرهنگان جامعه، پاسدان نظام و ولی نعمت هستند.

#### ۴. همدردی با فقیران

معصومان علیهم‌السلام، در هر عصر و شرایطی، همدردی با آسیب‌پذیران جامعه را وظیفه خود می‌دانسته‌اند و بر این سیره اهتمام داشته‌اند؛ چنانکه امیر مؤمنان علیه‌السلام علت ساده‌زیستن خود را همدردی با فقیران بیان کرده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ الْعَدْلَ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفِهِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ»<sup>۲</sup> خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده است که بر خود سخت بگیرند و همچون طبقه ضعیف مردم باشند تا فقر و تنگدستی فقیر، او را به هیجان نیاورد و سر از فرمان خدا برتابد.»

پس گزینش زندگی فقیرانه، از مسئولیت‌های اختصاصی رهبران جوامع بشری است تا با تحمل سختی‌ها، بر تحمل قشر ضعیف جامعه بیفزایند و با هم‌رنگ شدن با زندگی آنان، مانع طغیان آنان گردند. البته امروزه این اصل فراموش شده است و حکومت، به ابزاری برای قدرت‌طلبی و ثروت‌اندوزی رهبران تبدیل شده است و آنها اهمیتی نمی‌دهند که محرومان جامعه با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند.

#### ۵. فروتنی با فقیران

معصومان علیهم‌السلام با وجود مقام والای خود، نهایت تواضع را با مردم داشته‌اند. برای مثال، نقل شده است که امام حسن علیه‌السلام در جایی نشسته بود و هنگام برخاستن از آنجا فقیری وارد شد؛ امام به او خوشآمدگفت و فرمود: وقتی نشستی که ما برای رفتن برخاستیم؛ آیا به من اجازه رفتن می‌دهی؟<sup>۳</sup>

۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۲. همان، خطبه ۲۰۹.

۳. سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۷۳.

از امام حسین علیه السلام نیز چنین تواضعی با قشر فقیر جامعه گزارش شده است؛ مسعده بن صدقه می‌گوید: روزی عبور آن حضرت به گروه فقیری افتاد که ردایی پهن کرده و تکه‌نانی چند بر آن نهاده بودند؛ تا چشم آنان به امام افتاد، حضرت را به جمع خود فراخواندند. آن بزرگوار، بی‌درنگ پذیرفت و کنارشان نشست و همراهشان از آن نان‌ها تناول کرد؛ سپس فرمود: من دعوت شما را پذیرفتم، شما هم دعوتم را اجابت کنید. آنان دعوت امام را پذیرفتند و به منزل حضرت رفتند. آن بزرگوار [ هر آنچه در منزل داشت، به پذیرایی از آنان پرداخت و ] به همسرش فرمود: هرچه ذخیره کرده‌ای، [ برای ضیافت مهمانان ] حاضر کن.<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام نیز گذرش بر گروهی افتاد که مبتلا به جذام بودند و صبحانه می‌خوردند. آنان تا حضرت را دیدند از آن بزرگوار برای خوردن صبحانه دعوت کردند. امام در پاسخ دعوت آنان فرمود: اگر روزه‌دار نبودم، دعوت شما را می‌پذیرفتم. پس چون به منزل رسید، دستور داد غذا و طعامی تهیه کردند؛ آن‌گاه از آنان دعوت کرد تا از آن غذا تناول کنند.<sup>۲</sup>

این‌گونه از رفتارها آن‌چنان مورد اهتمام معصومان علیهم السلام بوده است که در شرایط سخت زندگی هم ترک نمی‌شده است؛ چنان‌که شیخ صدوق از یاسر خادم روایت می‌کند: کسالت مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام چند روز به طول انجامید. در آخرین روز زندگی خود، درحالی‌که ناتوان گشته بود، به من فرمود: مردم (خدمتکاران و اطرافیان) هنوز غذا نخورده‌اند؟ عرض کردم: سرورم! با این حالی که شما دارید، چگونه غذا بخورند؟ آن بزرگوار از بستر برخاست و فرمود: سفره را آماده کنید. سپس فرمان داد تمام خدمت‌گزاران را کنار سفره حاضر کردند و از همه آنان دلجویی کرد تا غذا بخورند. آن‌گاه دستور داد که برای زنان نیز غذا ببرند. چنین رفتارهایی با فقیران جامعه، حتی با جذامیان آنان، می‌تواند الگویی ما، به ویژه اغنیا و مسئولان حکومتی باشد تا خود را تافته جدا بافته از دیگران ندانند.

## ۶. حفظ عزت و کرامت فقیران

معصومان علیهم السلام همواره خواهان عزت همه مردم، به ویژه فقیران بوده‌اند با تسریع در انفاق، مخفیانه و شبانه بودن آن، و عطا و انفاق پیش از درخواست سائل، از خجالت و ذلت نیازمندان پیشگیری

۱. عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۵۷.

۲. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۳.

می کرده‌اند. از ابی مقدم عجلی روایت شده است که مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و عرض حاجت کرد. حضرت فرمود: چون شاهد واقع و حقیقت بدحالی تو هستم، حاجتت را روی زمین بنویس. گویی آن حضرت می‌خواست سائل با به زبان آوردن حاجت خود خجالت نکشد. او بر زمین نوشت: فقیر و محتاجم. آن‌گاه علی علیه السلام به قنبر فرمود: دو حله بر او بپوشان.<sup>۱</sup>

چنین روش‌هایی از دیگر معصومان علیهم السلام نیز گزارش شده است؛ یسع بن حمزه می‌گوید: روزی در محضر علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم و با حضرت سخنی داشتم. گروهی از مردم هم اجتماع کرده بودند و از حلال و حرام خدا سؤال داشتند. ناگاه مردی خراسانی وارد شد و پس از عرض سلام، به امام گفت: از دوستان شما و خاندانتان هستم. از مکه آمده‌ام و توشه راهم گم شده است. اگر صلاح بدانید، مبلغی به من عطا کنید که مرا به وطنم برساند تا وقتی به منزل رسیدم، آن را از جانب شما صدقه بدهم؛ زیرا مستحق نیستم. حضرت فرمود: بنشین. سپس رو به مردم کرد و برای آنها سخن گفت. وقتی همگان متفرق شدند و کسی غیر از من و سلیمان جعفری و خثیمه نماند، حضرت وارد اتاق شد و پس از مدتی، از بالای در، دست مبارکش را بیرون آورد و فرمود: خراسانی کجاست؟ گفتم: اینجا است. فرمود: این دو است دینار را بگیر و در مخارجت خرج کن. لازم نیست آن را از طرف من صدقه بدهی؛ لیکن از اینجا بیرون برو که نه من تو را بینم و نه تو مرا. وقتی آن مرد بیرون رفت، سلیمان جعفری عرض کرد: فدایت شوم! ترحم کردی و بخشش فرمودی؛ اما چرا خودت را از او پنهان داشتی؟ فرمود: برای آن‌که مبادا از من خجالت بکشد.<sup>۲</sup>

فرزند برومند آن حضرت، امام جواد علیه السلام نیز در انفاق‌ها و عطایایش بر همین سنت بوده است؛ چنان‌که محمد بن سهل بن یسع می‌گوید: به مدینه رفتم و بر امام جواد وارد شدم. خواستم از او پوشاکی تقاضا کنم که مرا بپوشاند، که به من گفت: این (لباس) را مولایت برایت فرستاده است.<sup>۳</sup>

## ب. سیره اقتصادی معصومان علیهم السلام

معصومان علیهم السلام همواره در شرایط مختلف بر رفع نیازهای اقتصادی قشر فقیر جامعه، که

۱. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل*، ج ۷، ص ۱۷۶.

۲. کلینی، *الکافی*، ج ۴، ص ۲۵.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۶۸.

اصلی‌ترین نیازهای آنهاست، به اشکال گوناگون، و حتی پیشگیری از اظهار نیاز ایشان اهتمام داشته‌اند. نمونه‌هایی از روش آنان در این زمینه عبارت‌اند از:

### ۱. انفاق

معصومان علیهم السلام گاه تمام اموال خود را انفاق می‌کردند؛ چنان‌که رسول اعظم صلی الله علیه و آله درهم و دیناری را نزد خود نگه نمی‌داشت و حتی اگر شب فرا می‌رسید، تا محتاجی را پیدا نمی‌کرد که باقیمانده هزینه‌های درآمد روزانه خود را به او انفاق کند، به خانه نمی‌رفت. هرگز نیازمندی از حضرت چیزی نخواست، جز آن‌که عطایش می‌کرد؛ حتی اگر خود از گرسنگی سنگ بر شکم می‌بست!<sup>۱</sup> گستره انفاق و سخاوت آن بزرگوار، عصر بعد از او را نیز فراگرفته و حضرت صدقات و موقوفاتی برجای گذاشته تا از آیندگان نیز رفع حاجت کند؛ چنان‌که ابن ابی‌الحدید معتزلی می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی دار دنیا را وداع گفت که نخلستان‌های فراوانی را در خیبر و فدک، بنی‌النظیر و طایف، از خود، [برای نیازمندان] صدقه برجای گذارد.<sup>۲</sup>

فاطمه زهرا علیها السلام نیز چون پدر بزرگوارش، در شرایط مختلف زندگی اهل ایثار بود. در آغازین دوره هجرت و روزگار حاکمیت فقر بر مسلمانان، دستبند نقره و پرده درب خانه خود را خدمت پدر فرستاد و پیغام داد که آن را به هر مصرف خیری که خود صلاح می‌داند برساند. پس چهره پیامبر شکفته شد و سه مرتبه فرمود: «فَعَلَّتْ فِدَاهَا أَبُوهَا؛ پدرش فدایش گردد!» سپس حضرت دستور داد که از پارچه پرده خانه فاطمه علیها السلام چند پیراهن و شلوار برای اصحاب صفّه تهیه کنند.<sup>۳</sup> هم‌چنین نقل شده‌است که در شب عروسی یگانه دختر رسول اسلام، سائلی بر در خانه آمد، و ندا داد: لباسی ندارم؛ آیا کسی نیست مرا بپوشاند؟ دختر پیامبر خدا پیراهن شب زفافش را به وی داد و خود در شب عروسی، به کهنه‌لباسی بسنده کرد!<sup>۴</sup> باشد که زنان جامعه ما نیز در ایثار و انفاق بر فقیران و درماندگان، به او تأسی کنند و بانوی نمونه عالم را الگوی خود قرار دهند.

به گزارش دیگران، امیر مؤمنان علیه السلام هم‌چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در هر شرایطی، بر انفاق به فقیران همت می‌گمارده، ولی ناگزیر بوده در پاسخ آنان که بر او در مقطع دستیابی به ثروت و خلافت -

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۷.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۱۴۷.

۳. شیخ صدوق، الامالی، ص ۲۳۴؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳، ص ۳۴۳.

۴. سید نورالله قاضی، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۰۲.

به بهانه سیاسی - اتهام فقر می زدند، خود برای ردّ اتهام و تکذیب شایعات، از صدقات و انفاق های پنهانش، گاهی با اشاره به فقر خود در زندگی با پیامبر از آن گزارش کند و بگوید: «لَقَدْ رَبَطْتُ الْحَجَرَ مِنَ الْجُوعِ عَلَى بَطْنِي وَبَلَغَتْ أَرْبَعَةَ آلَافٍ دِينَارَ صَدَقَتِي...»؛ زمانی از شدت گرسنگی بر شکم خود سنگ بستم؛ در حالی که اکنون صدقه سالیانه اموالم به چهل هزار دینار می رسد.<sup>۱</sup>

و گاهی با اشاره به فقر خود در زندگی با همسرش بگوید: «تَزَوَّجْتُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَمَا كَانَ لِي فِرَاشٌ وَصَدَقَتِي الْيَوْمَ لَوْ قُسِمَتْ عَلَى بَنِي هَاشِمٍ لَوْ سَعَتُهُمْ؛ در حالی با فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ ازدواج کردم که زیراندازی نداشتم؛ امروز اگر صدقه اموالم بین بنی هاشم تقسیم شود، همه آنان را کفایت کند.»<sup>۲</sup>

حمایت مالی امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ از فقیران، منحصر به دوران برخورداری حضرت از مال و ثروت نبوده؛ بلکه در سخت ترین شرایط زندگی، هم چنان انفاق و ایثار می کرده است. انفاق افطاری سه روزه حضرت و همسر و فرزندانش، نمونه ای است که قرآن از آن خبر داده است: «وَيُؤْفُونَ بِالْأَنْدَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا».<sup>۳</sup>

#### ۱-۱. انفاق خرد و کلان

چنانکه در سطور پیشین اشاره گردید، حمایت مالی معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از فقیران، به شرایط اقتصادی مطلوب، محدود نبوده است، بلکه همه آنان در هر شرایطی به میزان توان خود، دستگیری از نیازمندان می کرده اند؛ از باب نمونه، امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ که از کمترین ثروت دنیا برخوردار بود، هر جمعه دیناری را صدقه می داد و دیگران را نیز بر آن تشویق می کرد و می فرمود: «فضیلت صدقه روز جمعه، به لحاظ افضلیت این روز بر سایر ایام، چند برابر است».<sup>۴</sup> امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَامُ، نیز که دارای تمکن مالی بود، در انفاقی مبلغ پنجاه هزار درهم و پانصد دینار را به فقیری عطا می کند و چون قادر بر حمل آن نبود، حضرت می فرماید: «حمالی بیاور تا آن را برایت حمل کند». افزون

۱. نباطی بیاضی، علی، الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۹۵؛ علی الهیتمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۳.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۱، ص ۴۳.

۳. انسان، آیه ۷.

۴. شیخ صدوق، ثواب الأعمال، ص ۱۸۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۵۰.



بر آن، وقتی سائل حمالی آورد، امام جبه‌اش را به او داد و فرمود: «این هم کرایه حمال».<sup>۱</sup> نمونه‌هایی دیگر نیز گزارش شده است.<sup>۲</sup>

چنین انفاق‌های کلانی، گاهی مایه شگفتی برخی از یاران آن حضرات می‌شد؛ چنان‌که ابن شهر آشوب می‌نویسد: زمانی که علی بن موسی الرضا علیه السلام در خراسان بود، «فَرَّقَ عليه السلام بِخِرَاسَانَ مَالَهُ كَلَّةً فِي يَوْمِ عَرَفَةَ؛ روز عرفه، تمام اموال خود را میان مستمندان تقسیم کرد»؛ [اما به لحاظ این‌که چنین انفاق و بخششی میان مردم متداول نبود،] فضل بن سهل به امام عرض کرد: «این کار شما زیان‌آور است! حضرت در پاسخ فرمود: [خیر، چنین نیست؛ بلکه این عمل،] غنیمت است. هر آنچه را به منظور اکرام بندگان خدا می‌دهی، [هرگز آن را] ضرر نشمار».<sup>۳</sup>

بنابراین بر اساس فرمایش آن حضرت، انفاق، حتی در سطح کلان آن، نه تنها به فقر و ضرر انسان منتهی نمی‌شود؛ بلکه نفع و دستاوردی بزرگ است. حضرات معصومان علیهم السلام به دلیل همین طرز فکر و عملکرد، در این عرصه نیز از دیگران سبقت گرفتند تا آنجا که به خاندان سخاوت و کرم مشهور گشتند؛ به گونه‌ای که اگر کسی شخص کریمی را سراغ می‌گرفت، این خاندان به او معرفی می‌شدند؛ چنان‌که فقیری از عثمان بن عفان که کنار مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود، تقاضای کمک کرد. عثمان پنج درهم به او داد؛ اما فقیر [که گویا توقعی بیش از این داشت،] از عثمان خواست سخی‌ترین مردم را به او معرفی کند. عثمان به حسنین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر اشاره کرد که در گوشه‌ای از مسجد نشسته بودند. فقیر به سوی آنان رفت و درخواست کمک کرد. امام حسن علیه السلام مبلغ پنجاه دینار، امام حسین علیه السلام [برای رعایت ادب نزد برادر بزرگ‌تر] مبلغ چهل و نه دینار، و عبدالله بن جعفر چهل و هشت دینار به او عطا کردند. فقیر در راه بازگشت، ماجرا را به عثمان گزارش داد. عثمان گفت: این خاندان، کانون علم و حکمت و سرچشمه نیکی و فضیلت‌اند. نظیر آنها را کی می‌توان یافت.<sup>۴</sup>

## ۱-۲. انفاق آشکار و پنهان

انفاق و صدقات معصومان علیهم السلام گاهی آشکارا و گاهی پنهانی و در دل شب بود؛ چنان‌که قرآن از

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۹۴.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۴؛ اربلی، علی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، ج ۱،

ص ۵۵۵؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۳۹.

۳. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۳۶۱.

۴. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۳۵.

هر دو گونه آن خبر داده و خدای متعال فرموده است:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»<sup>۱</sup> آنان که اموال خود را در شب و روز، آشکار و نهان انفاق می‌کنند، اجرشان با پروردگارشان است؛ نه بیمناک می‌شوند و نه غمگین». در ادامه، به ذکر نمونه‌هایی از انفاق آشکار و پنهان امام حسین، امام زین العابدین، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام بسنده می‌شود:

۱. «روز دفن پیکر پاک و پاره‌پاره حسین بن علی علیه‌السلام اثری بر پشت مبارکش دیده شد؛ سر آن را از امام زین العابدین پرسیدند؛ آن حضرت فرمود: این اثر کیسه‌های طعام و خوراکی است که پدرم آنها را به در خانه پیرزان، یتیمان و مسکینان حمل می‌کرده است.»<sup>۲</sup>

۲. «هنگام گذاردن پیکر پاک امام سجاد علیه‌السلام بر تخت غسل‌خانه برای غسل، بر پشت مبارکش اثری به‌جامانده - همچون زانوی پینه‌بسته شتر - از حمل طعام‌هایی دیده شد که بر در خانه فقرا و مساکین می‌برده است. در بعضی از اخبار آمده است که هنگام تحویل طعام، چهره مبارک خود می‌پوشاند تا کسی وی را نشناسد.»<sup>۳</sup>

۳. امام کاظم علیه‌السلام نیز همواره فقرای مدینه را شبانه مورد تفقد خویش قرار می‌داد و مایحتاج نقدی و غیرنقدی آنان را به در خانه‌شان حمل می‌کرد، در حالی که نمی‌دانستند از کجا می‌رسد؛ تا این‌که پس از شهادت او فهمیدند.<sup>۴</sup>

۴. فرزند برومندش، امام رضا علیه‌السلام نیز چنین بوده است، چنان‌که گزارش شده است: «كَانَ كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَالصَّدَقَةِ فِي السِّرِّ وَأَكْثَرَ ذَلِكَ يَكُونُ مِنْهُ فِي اللَّيَالِي الْمُظْلِمَةِ؛<sup>۵</sup> کمک‌های مالی فراوانی به فقرا داشته که بیشتر آن، صدقه‌هایی بوده که حضرت در شب‌های تاریک، برای فقیران و خرابه‌نشینان بردوش خود حمل می‌کرده است».

۱. بقره، آیه ۲۷۴.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۶۶.

۳. شیخ صدوق، علل الشرائع، ج ۱ ص ۲۳۱؛ اربلی، علی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ص ۷۷؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۱۵۳ و... .

۴. ابن صباغ مالکی، علی، الفصول المهمة، ج ۲، ص ۱۴۹.

۵. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۶۰؛ اربلی، علی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۱۶؛ نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۸۵.

مجلس بیست و هشتم: سیره معصومان علیهم‌السلام در مواجهه با فقرا ■ ۳۲۷

برخی مفسران، سرّ انفاق‌ها و صدقات پنهان را اهداف و مصالح خاصی، مانند: صیانت از اخلاص در انفاق و صدقه و حفظ حیثیت و آبروی فقیر دانسته‌اند و دلیل انفاق‌ها و صدقات آشکار را ترغیب دیگران و تعظیم شعائر دینی.<sup>۱</sup> و برخی دیگر گفته‌اند: گسترش انفاق و صدقه به همه اوقات و احوال، نشانه حریص بودن پیشوایان معصوم علیهم‌السلام بر عمل خیر، و دستگیری از نیازمندان است که بی‌درنگ به رفع نیاز آنها اقدام می‌کرده‌اند.<sup>۲</sup>

---

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲. محمود زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۳۱۹.